

## آسیب‌شناسی زیبایی‌ها در پرتو وحی

الیه شاه پسند

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۸۸۲/۸ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۵/۱۷

انسان همیشه در پی زیبایی است. تا آن‌جا که این پویش همه ابعاد زندگی‌اش را دربر گرفته، او محسوسات پیرامونش را درک کرده، تحت تأثیر جاذبه آن‌ها قرار می‌گیرد. هم‌چنین زیبایی معنوی کار نیک را وجدان می‌کند؛ لذا آن را تحسین کرده، نیکوکار را دوست دارد. اما گاهی در تعامل با زیبایی‌ها به خطا می‌رود. این مقاله در پی تبیین آفاتی است که در اثر برخورد نادرست با زیبایی‌ها ایجاد می‌شود. مبنای استناد این مقوله، آیاتی از قرآن کریم است.

کلید واژه‌ها: زیبایی، زشتی، زینت، تزئین.



### تعریف زیبایی

برخی معتقدند که زیبایی قابل درک است، ولی قابل وصف و تعریف نیست؛ بدرک و لا یوصف<sup>۱</sup>. از دیدگاه شهید

مطهری، تعریف ماهیتی و منطقی از زیبایی اولاً غیر ممکن و ثانیاً غیر سودمند است و باید به جای آن به بررسی آثار و نتایج زیبایی پرداخت<sup>۲</sup>. اما نبود یک تعریف ماهوی باعث

۱. جناتی، «بررسی هنر و زیبایی از دیدگاه فقهی با شیوه نوین اجتهادی»، اندیشه حوزه، ش ۲ و ۳.

۲. حمزه نژاد، «اصالت زیبایی از دیدگاه شهید مطهری»، مشهوری، ۸۳/۲/۱۰.



نشد که اندیشمندان در حد توان به تعریف زیبایی نپردازند. افلاطون می‌گوید: «زیبایی همان است که با خوبی درآمیخته، با درستی و صحت اندازه‌گیری قرین است و بر ظاهر و حقیقت اشیاء حکمروایی می‌کند. چیزی زیباست که از هر سه، یعنی خوبی، درستی و زیبایی مایه گرفته باشد.»<sup>۱</sup>

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «زیبایی عبارت است از شیء محسوس یا نامحسوس که با دستگاه ادراکی ما هماهنگ باشد، یعنی قوای ادراکی از آن لذت ببرد.»<sup>۲</sup> و به گفته معلم شهید: «اساساً خوب در هر حسی یعنی زیبا.»<sup>۳</sup>

چنان که از تعاریف یاد شده برآمد، زیبایی به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود که در قرآن اشاراتی به هر دو گروه و آسیب‌شناسی آنها شده است. در این جا قبل از هر چیز لازم است که به واژه شناسی این مفهوم در قرآن پردازیم:

برای پردازش مفهوم زیبایی در قرآن به کلید واژه‌های زیادی برمی‌خوریم که به‌رغم اشتراکی که دارند، هر یک بار معنایی متفاوتی را القا می‌کنند.

۱. نصیری، «هنر و زیبایی در نظر افلاطون»، گزارش گفت‌وگو، ش ۱۴.
۲. جوادی آملی، هنر و زیبایی از منظر دین، ص ۳.
۳. شهید مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۹۱.

۱- «زینة» (از ریشه زین)، به زیبایی‌های مادی اطلاق شده و در برخی موارد دارای بار معنایی مثبت و گاهی منفی است.<sup>۴</sup> هم‌چنین به صورت فعلی (زینا و ازینت) برای بیان زیبایی آسمان‌ها و زمین به کار رفته است.<sup>۵</sup>

۲- «حلیة» (از ریشه حلی) برای دلالت بر زیبایی‌های مادی استعمال شده و دارای بار مثبت است<sup>۶</sup> و به صورت فعلی (یحلّون) نیز برای اشاره به استفاده از زیبایی‌های مادی به کار رفته است.<sup>۷</sup>

۳- «بهجة» (از ریشه بهج) نیز در مورد زیبایی‌های مادی مورد استفاده قرار گرفته و باری مثبت به همراه دارد. این واژه که به صورت صفت مشبّهه (بهیج) هم به کار رفته، مفهوم شادی را نیز به همراه دارد.<sup>۸</sup>

۴- «زخرف» واژه‌ای است برای نشان دادن آن دسته از زیبایی‌های مادی که غفلت‌زا و فریبنده‌اند.<sup>۹</sup>

۵- «جمیل» (از ریشه جمّل) که در بیشتر

۴. در آیاتی چون: اعراف / ۳۲، نحل / ۸، یونس / ۲۴ و ۸۸، حدید / ۲۰ و ...

۵. رک به: صافات / ۶، فصلت / ۱۲، یونس / ۲۴ و ...

۶. رک به: رعد / ۱۷، نحل / ۱۴ و ...

۷. رک به: کهف / ۳۱، حج / ۳۲ و ...

۸. رک به: حج / ۵ و نمل / ۶۰.

۹. رک به: انعام / ۱۱۲، زخرف / ۳۵ و ...

موارد در بعد زیبایی‌های معنوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> البته این واژه به صورت مصدری (جَمَال) به زیبایی مادی هم اطلاق شده،<sup>۲</sup> اما چنان‌که گفتیم، بیشتر در زیبایی‌های معنوی به کار رفته و دارای بارمعنایی مثبت می‌باشد.

۶- «حُسن» (از ریشه حَسَن) نیز واژه‌ای است با بار معنایی مثبت که به زیبایی‌های معنوی اشاره می‌کند<sup>۳</sup> و مشتقات زیادی از آن در آیات قرآن به کار رفته: به صورت مصدری (حُسن)، صفت مشبیه (حَسَن)، صیغه تفضیل (أَحْسَن) و به صورت مصدر إحسان و فاعل آن (مُحْسِن). همچنین اشتقاق حَسَنَة که به عمل نیک آدمی یا هر زیبایی و خیری که از سوی خداوند به او برسد اطلاق شده و در مقابل سیئه قرار دارد.

۷- «تزیین» (از ریشه زین) - که به اعتبار کاربردش در بعد معنوی، آن را ذیل واژه زینة ذکر نکردیم - این واژه به صورت فعلی (زَيَّنَ، زَيَّنَتْ، زَيَّنَا) استعمال شده و در یک مورد دارای بار معنایی مثبت<sup>۴</sup> و در بقیه

۱. رک به: یوسف / ۸۳ و ۱۸، احزاب / ۴۹ و ...

۲. نحل / ۶

۳. غالب موارد کاربرد این واژه در قرآن به این نوع از زیبایی اشاره دارد. از جمله نمونه‌های فراوان آن رک به: بقره / ۸۳، نحل / ۶۷ و ۱۲۵.

۴. حجرات / ۷.

موارد، دارای باری منفی است<sup>۵</sup> و به زیبا جلوه کردن زشتی‌ها اشاره دارد. همچنین واژه «تسویل» (از ریشه سَوَّل) عهده دار بیان همین مفهوم بوده و به صورت فعلی (سَوَّلَ، سَوَّلْتَ) به کار رفته است.<sup>۶</sup>

در این میان، واژگان زینة، حلیة، زخرف و تزیین موضوع این مقاله می‌باشند. در ادامه ضروری است برای آسیب‌شناسی زیبایی، آن را ذیل دو عنوان زیبایی‌های مادی و معنوی مورد بحث قرار دهیم.

### زیبایی‌های محسوس

این نوع از زیبایی‌ها در قرآن بیشتر با دو کلید واژه «زینة» و «حلیة» مطرح شده‌اند.

بهره‌مندی از زیبایی‌های مادی، امری است که آیاتی چند از کلام الله به آن اختصاص یافته و به بهره‌گیری از آن‌ها امر شده است؛ هم‌چون:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...﴾ (اعراف / ۳۱ و ۳۲).

نکته قابل توجه در این آیه آن است که أخذ زینت را به «عند کل مسجد» مقید نموده و به این ترتیب استفاده از زینت‌ها را نیز با

۵. برای نمونه نگاه کنید به: بقره / ۲۱۲، آل عمران

۱۴ / یونس / ۱۲.

۶. رک به یوسف / ۸۳ و ۱۸.

صبغه‌ای الهی همراه کرده است. علامه طباطبایی (ره) هم با استناد به این دو آیه، تمایل انسان به بهره‌گیری از زیبایی‌ها را الهامی الهی معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

از این جاست که رؤیت زیبایی در این جهان باید انسان را به سوی خدا رهنمون شود. به گفته فریتهوف شووان: «... مشاهده کامل نمی‌تواند زیبایی را ببیند یا بشنود و چیزی از خدا در آن مشاهده نکند. امر الهی نهفته در آن به او امکان می‌دهد که آسان‌تر خود را از [پایبندی به] ظواهر اشیاء برهاند. و اما در مورد انسان هوس پیشه باید گفت که او در زیبایی جهان، دلفریبی (و خود) را می‌بیند.»<sup>۲</sup>

زیبایی چون به خدا پیوسته باشد عبادت است، و چون از او بگسلد، بت خواهد شد... احساس زیبایی با پیوستن به خدا «ذکر» است و با گسستن از او «غفلت»<sup>۳</sup>. آری نگاه استقلال‌ی به زیبایی‌ها، ناظر را دچار غفلت می‌کند. غفلت مهم‌ترین آسیب زیبایی‌ها و مصدر و منبع آنهاست که از دیر باز توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده؛

۱. المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۸، ص ۹۹-

۱۰۱.

۲. شاه کاظمی، «سعادت الهی؛ مثال اعلای تجربه

زیبایی»، راز و رمز هنر دینی، ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۰۶.

افلوپین به ما خاطر نشان می‌سازد که زیبایی دنیوی، زمینی و مشهود می‌تواند توجه ما را از نامتناهی منحرف کند.<sup>۴</sup> این امر بعد از رنسانس و جدا شدن علوم از صبغه الهی، شدت و سرعت بیشتری به خود گرفت؛ طرح نظریه هنر برای هنر دلیلی بر این مدعاست.<sup>۵</sup>

پاره‌ای از آسیب‌های حاصل از نگاه استقلال‌ی به زیبایی‌ها عبارت‌اند از:

۱- ملاک شدن زینت‌ها در ارزش‌گذاری اصالت دادن به زیبایی‌های مادی و زینت‌های دنیوی می‌تواند انسان را از توجه به زیبایی‌های معنوی غافل کند، تا آن‌جا که میزان برخورداری افراد از زینت‌های مادی را وسیله‌ای برای ارزش‌گذاری بر آنان قرار دهد. هم‌چنان که کفار هنگامی که مخاطب وحی الهی قرار می‌گرفتند، به جای جذب شدن به سوی زیبایی‌های معنوی‌ای که به آن فرا خوانده می‌شدند، زینت‌های مادی خود را به رخ مؤمنان می‌کشیدند تا برای خودشان ارزش و اعتبار بیشتری را ثابت کنند:

﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَنصَاتُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ

۴. هاسپرز، تاریخ و مسائل زیبایی‌شناسی، ص ۲۶.

۵. همان، ص ۵۳.

لَدَيْهَا (مریم ۷۳).

و مرادشان هم از این سخن، معارضه با مؤمنان بود. انگار که بگویند: اگر شما بر حق بودید، و ما بر باطل بودیم، حال شما در دنیا بهتر و پاکیزه تر از حال ما بود<sup>۱</sup>.

همین بینش است که باعث می شود یکی از بهانه های کفار برای ایمان نیاوردن به پیامبر، نداشتن خانه ای زخرفین باشد: ﴿وَ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ... أَوْ يَكُونَ لَكَ يَتِّ مِنْ زُخْرَفٍ...﴾ (اسراء ۹۰-۹۳) «زخرف» در اصل به معنای طلاست و سپس به همه زینت ها زخرف اطلاق شد و بعداً به هر چیز دروغین که زینت شده باشد، گفته شد<sup>۲</sup>. اما در این جا زخرف در همان اصل معنایی خود استعمال شده و ﴿يَتِّ مِنْ زُخْرَفٍ﴾ یعنی خانه ای از طلا<sup>۳</sup>.

## ۲- فریبندگی زیبایی ها

گرایش و تمایل انسان به زیبایی تا آنجاست که ابلیسیان نیز برای فریب و اضلال آدمی از نمودهای زیبایی بهره می گیرند؛ زیرا زیبایی و آرایش ظاهری به جهت جاذبه ای که دارد، می تواند با استخدام

ذوق و شهود زیبایی ما، حقیقت و واقعیت و اندیشه و تعقل درباره آن دو را از ما بگیرد<sup>۴</sup>.

قرآن در وصف منافقان می فرماید: ﴿وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ...﴾ (منافقون ۴).

هم چنین درباره سخنان زیبایی که باعث فریب و اضلال مخاطب است، می فرماید: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا...﴾ (انعام ۱۱۲).

«زخرف» در این جا به معنای آن چیزی است که باطنش باطل باشد و ظاهرش زینت شده<sup>۵</sup>. لذا کاربرد سوم زخرف در این جا مورد استفاده قرار گرفته و «مزخرف قول آن گفتاری است که امر را بر انسان مشتبه سازد»<sup>۶</sup>.

هم چنین «در داستان حضرت موسی عليه السلام وقتی سامری از باقی مانده خاک پای جبرئیل در گوساله ساخته شده از سیم و زر دمید، و بنی اسرائیل را فریب داد، از مظهر زیبایی استفاده کرد. موسی در مقابل، گوساله را خرد کرد و به آتش کشید تا مظهر زیبایی به دروغ

۴. محمد تقی جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۱۳۶.

۵. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۳، ص ۱۲۱.

۶. المیزان، ج ۷، ص ۴۴۲.

۱. آلوسی، روح المعانی، ج ۸، ص ۴۴۱.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۳۲.

۳. شیخ طوسی، التبیان، ج ۶، ص ۵۲۰.

آلوده شده را از بین ببرد تا چهره خاکستر آن دیده شود نه چهره درخشان زیبایش»<sup>۱</sup>.

بررسی دقیق‌تر ماجرای سامری و بنی اسرائیل می‌تواند نکات قابل توجهی دربارهٔ مبحث ما به دست بدهد؛ «اگر تواریخ بنی اسرائیل را مطالعه نمایم، به وضوح معلوم می‌شود که چقدر به زیور بستن مایل بوده‌اند»<sup>۲</sup>.

تا آن‌جا که عیدی داشته‌اند که هر سال در آن روز خود را زینت نموده، در یک مکان اجتماع می‌کرده‌اند<sup>۳</sup>.

گویا بزرگ‌ترین اجتماع بنی اسرائیل نیز در همین عید بوده است؛ چون حضرت موسی عليه السلام برای آشکار کردن معجزات الهی در پاسخ به مبارزه طلبی فرعون، این روز را برمی‌گزیند: «قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخْشَرَ النَّاسُ ضَحَىٰ» (طه / ۵۹).

اهمیت این عید برای بنی اسرائیل تا آن‌جا بوده که برای زینت کردن خود در آن روز، زینت‌های قبطیان را به عاریه می‌گرفته‌اند. لذا هنگام غرق قبطیان، این زینت‌ها نزد بنی اسرائیل بوده<sup>۴</sup> و با این که با شتاب از

چنگ فرعونیان می‌گریخته‌اند، اما بارهای سنگینی که از زینت‌های آنان به همراه داشته‌اند، رها نمی‌کنند. لذا تعجبی ندارد که سامری‌ای پیدا شود و آن زینت‌ها را به بت بنی اسرائیل تبدیل کند: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ. فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى قَسِي» (طه / ۸۷ و ۸۸).

### ۳. بیگانگی از خدا و پیامبر

هدف قرار دادن زینت‌های دنیا، با منسوب بودن به پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهی با مؤمنان قابل جمع نیست. خداوند از پیامبر می‌خواهد در پاسخ به همسرانش که از زندگی مادی خود راضی نبوده‌اند، و نزد رسول خدا از وضع زندگی خود شکایت کرده و پیشنهاد کرده‌اند که کمی در زندگی آنان توسعه دهد، و از زینت زندگی مادی بهره‌مندشان کند<sup>۵</sup>، بگوید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُنَّ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب / ۲۸).

ارادهٔ زینت‌ها، با خشنودی به رضایت الهی نیز منافات دارد:

ص ۲۶۸.

۵. بنگرید به: المیزان، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

۱. بهرام محمدیان، «زیبایی و جمال از نظر قرآن»، رشد آموزش معارف اسلامی، ش ۴۱.

۲. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۴۵۴.

۳. ثعلبی، الکشاف والبيان، ج ۶، ص ۲۴۹.

۴. بنگرید به: فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵،

←

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْقَدَاةِ  
وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ  
زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾ (کهف / ۲۸).

#### ۴. فقدان روشن بینی

نشو و نما در زیورها و اصیالت دادن به  
آن‌ها، انسان را به سوی ظاهرگرایی سوق  
می‌دهد، به طوری که از به کار بستن عقل و  
اندیشه ملول می‌شود: ﴿أَوْ مَنْ يُنشِئُوا فِي الْعَلِيَّةِ  
وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ (زخرف / ۱۷).

کلمه «حلیة» در زینت‌های ظاهری  
استفاده می‌شود و «زینة» بیشتر در آن زیبایی  
استفاده می‌شود که از نفس شیء ظاهر و  
آشکار شده<sup>۱</sup>. لذا به دنبال زینت‌های عرضی  
بودن که از خارج به شیء اضافه می‌شوند، نه  
این که از نفس شیء بجوشند، انسان را از  
تعقل و به کارگیری برهان و استدلال‌پذیری  
دور می‌کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:  
«زخارف الدنيا تفسد العقول الضعيفة»؛  
آرایش‌های دروغین دنیا، عقل‌های ناتوان را  
فاسد می‌کند<sup>۲</sup>. «ردع النفس عن زخارف الدنيا  
ثمرة العقل»<sup>۳</sup>.

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۲،  
ص ۲۹۷.  
۲. عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۷۶.  
۳. همان، ص ۲۷.

#### زیبایی‌های معقول

در یک نگاه تاریخی، انسان بعد از مرحله  
تشخیص زیبایی‌های محسوس، مسئله زشتی  
و زیبایی را توسعه داده، از چهارچوبه  
محسوسات خارج کرده و به افعال و معانی  
اعتباری و عناوینی که در ظرف اجتماع مورد  
نظر قرار می‌گیرد، بپردازد<sup>۴</sup>. ابزار درک  
این زیبایی دیگر حس نبود تا در آن اختلاف  
نظر راه یابد، بلکه این زیبایی با عقل درک  
می‌شد و «عقل ملال و دلزدگی نمی‌پذیرد و  
خستگی، ماندگی، افسردگی و دلنگنی به آن  
راه نمی‌یابد و در همه حال یچنین است.  
احکام و قضایای عقلی، ازلی و ابدی و  
ضروری‌اند و تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند و  
عقل، علی‌رغم این حیات آلوده به تباهی،  
تیرگی و پلیدی، هرگز از معقول خویش  
خسته نمی‌شود و از آن خلاصی نمی‌طلبد،  
بلکه چون عقل به معقول خود دست یافت،  
با آن اتحاد می‌یابد و هر دو یکی می‌شوند»<sup>۵</sup>  
بنابراین در ادراک این نوع از زیبایی نباید  
تفاوتی بین انسان‌ها باشد و اختلافاتی که در  
امور جزئی دیده می‌شود، در یکی از این دو  
امر ریشه دارد: «عدم شناخت درست کمال

۴. المیزان، ج ۵، ص ۱۰.  
۵. حسین صدیق، زیبایی‌شناسی و مسائل هنر از  
دیدگاه ابوحنیفان توحیدی، ص ۱۳۳.



مطلوب و نقص در جهان بینی. و یا عدم درک درست رابطه میان افعال اختیاری آدمی با کمال مطلوب او<sup>۱</sup> اما اگر در تشخیص زشتی و زیبایی کلیات اصول اخلاقی اختلافی پیش آمد، این دیگر ناشی از جهل، کمبود علم یا جهان بینی ناقص افراد نیست، بلکه حربه‌ای است شیطانی که با کمک نفس آدمی، عقل را از فرمانروایی جان به زیر می‌کشد و هوس را جانشین او می‌کند. این جاست که با بزرگ‌ترین آسیب در درک زیبایی‌های معقول روبه‌رو شده‌ایم.

نفوذ شیطان در جان آدمی گاهی به صورت غفلت و نسیان ظاهر می‌شود؛ به این گونه که صورت چیزی را که باید درباره سود و زیان آن اندیشه کند از ذهنش کنار می‌زند و انسان را از آن غافل می‌کند... گاهی نیز (در صورت عدم موفقیت راه اول) صورت ذهنی حاضر نزد انسان را با این که به ضرر اوست، به نفع وی جلوه می‌دهد، که در لسان آیات، هم به عنوان «تزیین» آمده: ﴿وَزَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ﴾ (نمل / ۲۴) و هم به عنوان «تسویل» و املائی شیطان از آن یاد شده: ﴿الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ﴾ (محمد / ۲۵) و گاهی مبتلای به آن به عنوان جاهل مرکب (کسی که نمی‌داند که نمی‌داند، یا

می‌پندارد که می‌داند) مطرح شده است: ﴿هُمْ يَخْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُخْسِبُونَ صُنْعًا﴾ (کهف / ۱۰۴)<sup>۲</sup>.

در این قسمت برای آسیب‌شناسی این نوع از زیبایی، به بررسی تزیین خواهیم پرداخت.

«تزیین» مصدر باب تفعیل از ریشه «زین» است. «زین» هنگامی گفته می‌شود که زیبایی‌اش را آشکار کرده باشد؛ با فعل یا با قول. خداوند گاهی تزیین را به خود نسبت داده، و در بعضی جاها به شیطان و در مواضعی فاعل آن را ذکر نکرده. تزیین خداوند به این صورت است که اشیاء را به صورت زیبا ابداع و ایجاد کند<sup>۳</sup>. اما تزیین امور توسط شیطان برای انسان به چه معناست؟

مهم‌ترین شیوه تسلط شیطان بر انسان بعد از تهاجم و نزدیک شدن به او، تصرف در اندیشه و خیال اوست<sup>۴</sup>.

خیال نوعی جهت بخشی به سمت غیر واقعی کردن پدیده‌ها، در دو غایت خوب یا بد دارد. در واقع خیال به مثابه وزیر تملق‌گویی است که هر چه را سلطان بپسندد، او را با فریندگی می‌آراید و رنگی

۲. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

۴. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳، ص ۳۹۴.

۱. مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۸۲.

از مطلوبیت‌ها یا عدم مطلوبیت‌های توهمی به پدیده‌ها می‌دهد. در صورت اعتماد ذهن به خیال، ادراک از حقیقت فاصله می‌گیرد. اگر چه این فاصله متغیر است، اما به تدریج گسترش می‌یابد. ذهن خیالات را واقعیات می‌پندارد و به اصل واقعیات بی‌اعتنا می‌شود، و به اساس دنیای عینی تردید می‌کند. بی‌ظرف خیال نشان از فقدان تعقل، منطقی، استدلال و کلیه شئوناتی که سبب تفکیک خیال از واقعیت می‌شود، می‌دهد.<sup>۱</sup>

لذا در صورت خروج خیال از سیطره و سلطه عقل سلیم، این نعمت الهی به وسیله‌ای برای نفوذ شیطان بدل می‌شود؛ شیطان آرزوها و خیالاتی را برای انسان مطرح می‌کند: ﴿وَلَسَأْتِيَهُمْ﴾ (نساء/۱۱۹) و چیزهایی را در نظر انسان زینت می‌دهد که زینت ارض است نه زینت قلب و جان انسان: ﴿لَا زِينَةٌ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (حجر/۳۹). زینت جان انسان، ایمان به خدای سبحان است: ﴿حَبِيبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزِينَةُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (حجرات/۷).<sup>۲</sup>

نکته قابل توجه در فرایند تزئین این است که ذهن انسان در این میان یک منفعل

محض نیست تا صحنه تاخت و تاز شیطان قرار گرفته و خود نقشی در این بین نداشته باشد، بلکه این خود انسان است که دعوت شیطان را پذیرا می‌شود. «شیطان خطاب به خداوند می‌گوید: ﴿رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي﴾ (حجر/۳۹)، همان‌طور که مرا اغوا کردی، بندگانت را اغوا می‌کنم. شیوه خدا چه بود؟ اضلال خدا کیفری بود، در حال شش هزار سال عبادت او که نبود، بعد از این که دعوت به سجده کرد و شیطان ابا کرد، او را به محاکمه خود دعوت کرد. و او رسماً مقابل خدا ایستاد و گفت: من آن نیستم که در مقابل او سجده کنم. اضلال شیطان هم از این نوع است. در آیه ۶۳ قصص می‌گوید: ﴿رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا﴾، خدایا ما همان‌طور که گمراه شدیم آن‌ها را هم گمراه کردیم. ما با میل و رغبت گمراه شدیم، آن‌ها هم با سوء اختیار خود گمراه شدند. اضلال شیطان جلو دعوت خدا را نمی‌گیرد، شیطان در ابتدا افراد را دعوت می‌کند، اگر آن‌ها گمراه شدند و به راه شیطان رفتند، آن‌ها را اغوا می‌کند و از راست و چپ بر آن‌ها وارد می‌شود.»<sup>۳</sup>

تزئین هم در حوزه فردی مطرح است و هم در حوزه جمعی. گاهی یک فرد دچار

۱. محمدرضا جوادی، خاستگاه روح در زیبایی و هنر برین، ص ۵۸.  
۲. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳. همو، بر کرانه نور.

تزیین می‌شود که از حوزه روان‌شناسی می‌توان از چنین فردی به شخصی «خود محور» تعبیر کرد. شخص خودمحور از آن‌جا که اصالت را به خود و خواسته‌هایش می‌دهد، وقتی به زشتی عملی که برای تأمین آمالش قصد انجام آن را دارد برمی‌خورد، سوار بر مرکب خیال صورتی زیبا از آن ساخته و آن را توجیه می‌کند. شاید معادل این عبارت به تعبیر علم اخلاق، عجب یا خودپسندی باشد. از امام رضا علیه السلام درباره عجب که باعث فساد عمل است پرسیده شد. آن حضرت فرمود: «العجب درجات؛ منها أن یزین للعبد سوء عمله فیراه حسناً قیعیجه و یحسب أنه یحسن صنعاً...»؛ عجب درجاتی دارد، از جمله این‌که عمل زشت بنده را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد. در نتیجه آن را زیبا می‌بیند و به خود مغرور می‌شود و گمان می‌کند که کار خوبی انجام می‌دهد.

مثالی که برای تزیین فردی می‌توان آورد، تزیین اعمال فرعون در نگاه اوست: ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِّفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ﴾ (غافر/۳۷).

اما گاهی یک اجتماع دچار تزیین می‌شود؛ این جاست که اعمال زشت، به

هنجار و قانون آن جمعیت بدل می‌شود. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی از چنین جامعه‌ای به جامعه‌ای «قوم مدار» تعبیر می‌شود؛ جامعه‌ای که انگاره‌ها و هنجارهای خودی را برترین می‌داند. این در واقع چیزی شبیه به خودمحوری در حوزه فردی است. در تعریف قوم مداری آمده است:

«قوم مداری» (Ethnocentrism) الگوی ذهنی بسیار شایعی است که به موجب آن هر شخص فرهنگ خودی را برترین فرهنگ موجود دانسته و از دیدگاه ارزش‌های اجتماعی درونی شده خودش به داوری ارزش‌های جامعه‌های دیگر می‌پردازد... قوم مداری یک الگوی ذهنی عموماً برتری طلبانه است که به موجب آن ما با معیارها و هنجارها و ارزش‌هایی که جامعه پذیر شده‌ایم، به داوری بیگانگان و اعضای گروه‌های غیرخودی می‌پردازیم. یکی از ویژگی‌های عضو درون‌ساز شده با گروه این است که وفاداری‌اش را نسبت به الگوهای رفتاری که به او آموخته‌اند به عنوان بهترین بپذیرد و نشان دهد تمام الگوهای رفتاری دیگر در نظر وی به درجات متفاوت بد هستند... قوم مداری ارزش‌ها و منافع گروه خودی را میزان سنجش حق و ناحق بودن ارزش‌ها و منافع گروه‌های

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۶.

غیر خودی قرار می دهد.<sup>۱</sup>

به عنوان مثال برای این نوع تزئین، ذکر آیه ۲۴ سوره نمل مناسب می نماید: ﴿وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾.

نتیجه جالبی که علامه طباطبایی از فرایند تزئین می گیرد این است که تمامی اعمال انسان در گرو زیبایی است؛ زیرا حتی شیطان نیز اعمال زشت او را در نظرش زیبا جلوه می دهد، تا او را از این طریق به سمت بدی ها بکشانند.<sup>۲</sup> در این جا لازم است عواملی را که باعث تزئین اعمال زشت می شوند، بررسی کنیم:

عواملی که باعث تزئین زشتی هاست

#### ۱- کفر یا پوشاندن حقایق

پوشاندن حقایق یا همان کفر، عاملی است که باعث زینت اعمال زشت در نظر آدمی می شود: ﴿زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...﴾ (بقره / ۲۱۲).

«ظاهر کفر هم در قرآن همان ستر است؛ چه این که کفر اصطلاحی باشد، یا مطلق پوشاندن حق باشد، که در برابر مطلق ایمان

است. بنابراین زینت یافتن زندگی دنیا اختصاصی به کفار اصطلاحی ندارد، ممکن است مسلمان اصطلاحی هم دچار این انحراف بشود و حقیقتی از حقایق دینی را بپوشاند، و نعمتی از نعمت های دینی را تغییر دهد، که چنین کسی هم کافری است که حیات دنیا در نظرش زینت یافته.»<sup>۳</sup>

چنین کافری در ظلمتی است پایان ناپذیر: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام / ۱۲۲).

کافر مفری از ظلمات ندارد، برای این که اعمال او آن چنان به نظرش جلوه کرده و او را مجذوب ساخته که نمی گذارد به فکر بیرون آمدن از ظلمت همان عمل افتاده، خود را به فضای روشن سعادت بکشانند.<sup>۴</sup>

قرآن هم چنین مشرکان را پوشاننده حقایق و دچار تزئین معرفی می کند: ﴿... وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ... بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ...﴾ (رعد / ۲۳).

#### ۲- شرک

شرک از جمله عوامل تزئین بوده،

۱. نیک گهر، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۴۰.

۲. المیزان، ج ۷، ص ۴۳۴-۴۳۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۴. همان، ج ۷، ص ۴۶۸.

مشرکان را تا آنجا پیش می‌برد که حتی قتل فرزندانشان را در راه شرکایی که برای خدا قائلند، زیبا می‌بینند: ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ...﴾ (انعام / ۱۳۷) معنای آیه چنین می‌شود: بت‌ها با محبوبیت و واقعیتی که در دل‌های مشرکان داشتند، فرزندکشی را در نظر بسیاری از آنان زینت داده و تا آنجا در دل‌های آنان نفوذ پیدا کرده بودند که فرزندان خود را به منظور تقرب به آن‌ها برای آن‌ها قربانی می‌کردند. بعضی از مفسران گفته‌اند: مراد از شرکاء شیطان‌ها هستند، و بعضی مقصود از آن را خدام بتکده و بعضی دیگر گمراهان از مردم دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳- ایمان نداشتن به آخرت

ایمان نداشتن به معاد، زمینه جلوه‌گری زشتی‌هاست.<sup>۲</sup> ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ (نمل / ۴) در این مورد توجه به این نکته ضروری است که اگر زینت به خدا نسبت داده شده، از جهت مسبب‌الاسباب بودن اوست و این که هیچ وسیله‌ای حتی شیطان بدون اذن او کارگر نیست. علامه طباطبایی می‌نویسد: «اگر در

پاره‌ای از آیات، ضلالت گمراهان را به خدا نسبت داده نه از این جهت است که شر از خدا سر می‌زند، بلکه در هر جا نسبت داده شده به عنوان جزای شر است.»<sup>۳</sup> در واقع خداوند اضلال ابتدایی ندارد، بلکه اضلال او کیفری است. و به سنت و مشیت الهی در کور شدن کسی که به آخرت ایمان نمی‌آورد از دیدن زشتی اعمالش باز می‌گردد.<sup>۴</sup>

### ۴- افراط در استفاده از زخارف دنیا

اسراف و افراط در تمتع و بهره‌گیری از زخارف دنیوی، زمینه ساز تزیین زشتی‌هاست: ﴿... زُيِّنَ لِلْمُتَسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (یونس / ۱۲).

البته باید توجه داشت که اسراف فقط در مورد نعمت‌های مادی مطرح نیست، بلکه استفاده نابجا از هر گونه نعمتی اسراف شمرده می‌شود: «اسراف هم در مورد نعمات بیرونی مطرح است و هم در مورد نعمات درونی؛ مثلاً اولین لحظه‌ای که ارتکاب گناه در فکر انسان خطور می‌کند، قبل از ارتکاب، اسراف در نفسش پیدا می‌شود؛ یعنی او این پدیده فکری و علمی و نیز این پدیده عملی، یعنی عزم و اراده را بیجا مصرف می‌کند.»<sup>۵</sup>

۳. المیزان، ج ۹، ص ۳۶۴.

۴. مغنیه، الکاشف، ج ۶، ص ۷.

۵. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۰، ص ۶.

۱. المیزان، ج ۷، ص ۴۹۷.

۲. بنگرید به: قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۹۲.

## اثرات تزئین

### ۱- خرد گریزی و هوی پرستی

کسی که دچار تزئین شده، نظاره گر یک زیبایی دروغین است و دروغ با هیچ بیننده و برهانی قابل اثبات نیست، لذا چنین شخصی به جای عمل براساس برهان و استدلال، براساس هوی و هوس خود عمل می کند: ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ (محمد/۱۴) اما «مؤمنان همواره پیرو حجت قطعی هستند، حجتی که راه و روش صحیح را برای انسان بیان می کند»<sup>۱</sup>

### ۲- رویگردانی از تضرع به درگاه الهی

زیبا دیدن کردارهای زشت مانع تضرع آدمی به درگاه خداوند، حتی در شاداید است:<sup>۲</sup>

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/۴۳).

### ۳- تمسخر مؤمنان

آرایش زشتی ها در نظر گروهی چنان

ص ۹۶

۱. المیزان، ۲۱، ص ۴۲۸.

۲. هاشمی رفسنجانی و دیگران، تفسیر رامنما، ج ۵،

ص ۱۱۷.

نهادینه شده که مؤمنان بی بهره از زینت های دروغین را به مسخره می گیرند: ﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ (بقره/۲۱۲)، اما خداوند با ترفیع مقام مؤمنان آن ها را دلداری داده، کافران را تأدیب می کند: ﴿... وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (بقره/۲۱۲).

### ۴- معارضه و عناد با حق

تزئین می تواند آدمی را تا بدان جا پیش ببرد که به معارضه و عناد با حق پردازد، چنان که فرعون در اثر تزئین به چنین مرحله ای رسید: ﴿وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرِّحًا لِّعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ \* أَنْسَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنِ السَّبِيلِ...﴾ (غافر/۳۶ و ۳۷) آنچه از سیاق استفاده می شود این است که جمله مورد بحث ﴿وَ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ﴾ به منزله یک قاعده و ضابطه کلی باشد و بفهماند چرا فرعون در مقابل حقی که موسی وی را به سوی آن می خواند این طور دست و پا می زد؟ برای این که شیطان عمل زشت او را در نظرش زیبا جلوه داده بود و او را از راه رشاد باز داشته بود، ناگزیر احساس کرد که در بن بستی قرار گرفته است، لذا با اباطیل خود در برابر آن مجادله کرد و دست به این گونه

کارهای ناشایست و نقشه‌های سفیهانه زد تا شاید حق را از بین ببرد<sup>۱</sup>.

### ۵- صد سبیل

صدّ به معنای صرف و منع است<sup>۲</sup>. و صد کردن سبیل کسی به معنای منصرف کردن و بازداشتن او از راه است. اگر کسی کار خود را زشت دید، امکان هدایت او بیشتر است؛ اما اگر آن را زیبا دید، امکان هدایت یافتنش بسیار کم می‌شود و به عبارتی از سبیل هدایت منصرف می‌شود: ﴿وَعَادَا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (عنکبوت / ۳۸).

علامه می‌نویسد: معنای این که فرمود: از راه بازمان داشت، این است که: از راه خدا که راه فطرت است بازمان داشت<sup>۳</sup>.

### ۶- قرار گرفتن تحت ولایت شیطان

کسی که تزین و اغوای شیطان را پذیرا شد، در واقع خود را تحت ولایت او قرار داده است: ﴿تَاللّٰهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نحل / ۶۳).

۱. المیزان، ج ۱۷، ص ۵۰۳.

۲. راغب، المفردات، ص ۴۷۷.

۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸۷.

### منابع

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی بغدادی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم: بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴ق.

۶. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

۷. جعفری، محمد تقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مهربان، تنظیم محمد صفایی، قم، اسراء، ۱۳۸۳ ش.

۹. ———، بر کرانه نور (درس تفسیر)، رادیو معارف، ۸۵/۶/۱۲

۱۰. ———، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۲ ش.

۱۱. ———، تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ دوم: قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.

۱۲. ———، هنر و زیبایی از منظر دین، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۷۵ ش.

۱۳. جوادی، محمدرضا، خاستگاه روح در زیبایی و هنر برین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۱۴. حمزه نژاد، مهدی، «اصالت زیبایی از دیدگاه

تحقیق: احمد حسین شریفی، تهران، نشر  
بین الملل، ۱۳۸۱ ش.

۲۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن  
الکریم*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۲۶. مطهری، مرتضی، *فلسفه اخلاق*، چاپ بیست  
و پنجم: تهران، صدرا، ۱۳۸۲ ش.

۲۷. مغنیه، محمدجواد، *الکاشف*، تهران، دارالکتب  
الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.

۲۸. نصیری، علی اکبر، «هنر و زیبایی در نظر  
افلاطون»، گزارش گفت و گو، ش ۱۴.

۲۹. نیک گهر، عبدالحسین، *مبانی جامعه شناسی،  
توتیا*، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۳۰. الواسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم  
والمواعظ*، قم، دارالحدیث، چاپ اول:  
۱۳۷۶ ش.

۳۱. هاسپرز، جان، «تاریخ زیبایی شناسی»، *تاریخ و  
مسائل زیبایی شناسی*، ترجمه، محسن فاطمی،  
تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی،  
۱۳۷۷ ش.

۳۲. هاسپرز، جان؛ اسکرانتز، راجر، *فلسفه هنر و  
زیبایی شناسی*، ترجمه یعقوب آژند، دانشگاه  
تهران، ۱۳۷۹ ش.

۳۳. هاشمی رفسنجانی و دیگران، *تفسیر راهنما،  
دفتر تبلیغات اسلامی قم*، ۱۳۷۵ ش.

۳۴. هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس، اساطیر،  
بی جا*، ۱۳۷۷ ش.

شهید مطهری»، همشهری، ۸۳/۲/۱۰

۱۵. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق  
صفوان عدنان داوودی، قم، طلیعة النور،  
۱۴۲۶ ق.

۱۶. شاه کاظمی، رضا، «سعادت الهی: مثال اعلا  
تجربه زیبایی»، راز و رمز هنر دینی، به تنظیم  
مهدی فیروزان، چاپ دوم: تهران، سروش،  
۱۳۸۰ ش.

۱۱. صدیق، حسین، *زیبایی شناسی و مسائل هنر از  
دیدگاه ابوحنیفان توحیدی*، ترجمه غلامرضا  
تهامی، تهران، الهدی - فرهنگستان هنر،  
۱۳۸۳ ش.

۱۷. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر  
القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی،  
چاپ پنجم: قم، دفتر انتشارات اسلامی،  
۱۴۱۷ ق.

۱۰. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تحقیق:  
احمد حسینی، چاپ سوم: تهران،  
کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

۲. طوسی، محمد بن حسن، *التیاب فی تفسیر  
القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*،  
چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی،  
۱۴۲۰ ق.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق:  
محمدجواد فقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق.

۲. محمدیان، بهرام، «زیبایی و جمال از نظر  
قرآن»، تنظیم تیمور امیری، رشد آموزش  
معارف اسلامی، ش ۴۱.

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، *فلسفه اخلاق*،